



26 دسمبر 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

سلطنت محمدظاهرشاه و صدارت محمدهاشم خان

(بخش یکصد و چهارم)

جنگ جهانی دوم و موقف افغانستان در قبال آن:

جنگ جهانی دوم که در سال 1318 (1939) آغاز گردید و تا سال 1324 (1945) مدت شش سال ادامه یافت، یکی از خونبارترین جنگ‌ها در تاریخ جهان بشمار میرود که قدرت‌های بزرگ آنوقت در دو جناح: از یک جانب آلمان، ایتالیا، جاپان و چند کشور کوچک اروپای شرقی زیر نام کشورهای "محور" و از جانب دیگر انگلستان، فرانسه، اتحاد شوروی و بعداً ایالات متحده آمریکا و یک تعداد کشورهای اروپائی مسمی به "متحدین" یکی در مقابل دیگر قرار گرفتند. این جنگ خانمانسوز نه تنها اروپا را به ویرانه تبدیل کرد و ملیونها انسان را به کام مرگ سپرد، بلکه اثرات آن به قاره‌های دیگر بخصوص آسیا و آفریقا نیز سرایت کرد و خسارات مالی و جانی بی‌شمار را به وجود آورد.

بآنکه در دوران این جنگ، شوروی در شمال افغانستان، ایران در غرب و هند برتانوی در جنوب کشور از این جنگ سخت خساره مند شدند، اما افغانستان توانست با تدبیر محمدهاشم خان صدراعظم در آغاز جنگ بتاريخ 15 سنبله 1318 (6 سپتمبر 1939 م) با اخذ یک فرمان پادشاهی از حضور محمد ظاهر شاه بیطرفی افغانستان را در جنگ اعلام نماید و کشور را از شعله‌های این آتش در امان نگاهدارد.

تسلط روس و انگلیس بر ایران و اوضاع نا آرام در مناطق قبایلی و همچنان فشارهای وارده قوای محور بر اینکه باید شوروی از سمت جنوب نیز زیر فشار قرار گیرد، وضع دشواری را برای سیاسیون افغانستان به وجود آورد که باید بین دو قطب فشار یک موقف میانه را انتخاب نمایند یعنی فشار متحدین، بخصوص برتانیه و روسیه برای جلوگیری از همکاری افغانستان با کشورهای محور از یکطرف و فشار طرفداران آلمان بین افغانها و حتی حمایت چند نفر از اراکین حکومت از جمله محمد داؤد، محمدنعیم خان و عبدالمجید خان زابلی از قوای محور از طرف دیگر، حکومت افغانستان را در یک موقف حساس قرارداد و حالتی را بار آورد که در جنگ عمومی اول امیرحبيب الله خان سراج الملت با آن مواجه شده بود. حکومت افغانستان در تئانی با آرزومندی انگلیس، باز هم موقف بیطرفی کشور را مکرراً بتاريخ 28 جولای 1941، زمانیکه جنگ جهانی به شدت در جریان بود، از طریق مصوبه شورای ملی اعلام نمود و به تعقیب آن بتاريخ 4 عقرب 1320 (5 نوامبر 1941 م) لویه جرگه را در کابل دائر کرد تا بوسیله آن بیطرفی افغانستان را از نظر ملی مشروعیت بخشد.

اینکه چرا آلمانها در بین مردم افغانستان از محبوبیت زیاد برخوردار بودند، سؤالیست که جواب آن به چند دلیل عمده بر میگردد، از جمله:

1 - بین آلمان و انگلستان در طول تاریخ روابط رقابتی و بعضاً دشمنانه موجود بوده و افغانها بطور کل در برابر انگلیسها نسبت چند تهاجم آنها شدیداً عقده داشتند، لذا "دشمن، دشمن را دوست شمردن" یک پدیده طبیعی بود.

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

- 2 - استقبال صمیمانه حکومت آلمان از هیئت افغانی برای رسمیت شناختن استقلال افغانستان و مساعدت های لازم سیاسی و اقتصادی آن کشور در ذهن مردم افغانستان اثرات مهم و دوستانه را در برابر آلمانها ایجاد کرده بود.
- 3 - اشتراک متخصصین آلمانی در عصرآلمانی جهت اعمار پروژه های بزرگ و ابراز صمیمیت و اخلاص آنها در برابر افغانها در آنوقت محبوبیت آلمانها را در افغانستان بطورکل بیشتر ساخته بود.
- 4 - استقبال بسیار گرم و بی نظیر از شاه امان الله غازی حین سفرش به آلمان هنوز در اذهان بعضی ها باقی مانده بود.
- 5 - ادعای نازیها مبنی بر منسوبیت خود به نژاد "آریائی" احساس غرور هم نژادی را با آنها نزد بسا حلقات افغانی تقویه کرد.
- 6 - پیشرفتهای تکنیکی و نظامی آلمان، بخصوص در سالهای آغاز جنگ عمومی دوم این روحیه را نزد افغانها بار آورد که گویا فتح و ظفر در نهایت از آلمانها خواهد بود.

علاوتاً روابط گرم سیاسی و اقتصادی بین افغانستان و آلمان در زمان سلطنت محمد نادرشاه و بعد از آن نیز گواه بر همین دوستی عنعنوی بین دو کشور بود، چنانچه شاه محمود خان وزیرحربیه در سال 1936 برای تماشای مسابقات بین المللی المپیک به آن کشور رفت و سپس صدراعظم محمد هاشم خان نیز جهت تداوی عازم آنجا گردید. فیض محمدخان زکریا وزیرخارجیه و عبدالمجیدخان زابلی وزیر اقتصاد و شخصیت مقتدرکشوربخاطر خریداری اسلحه، ماشین آلات صنعتی، استخدام متخصصین و دریافت قرضه به آلمان رفتند و حکومت آن کشور حاضر شد به مبلغ 21 ملیون مارک به افغانستان قرضه دهد، حتی گفته شد که هیئت افغانی در آنوقت با هیتلر نیز دیدار داشته است. در سال 1316 (1937) پرواز طیاره های شرکت هوایی "لوفت هنزا" هفته یک بار بین کابل و برلین نشانه ای دیگر از حسن روابط بین دوکشور محسوب می شد و در همان سال با امضای قرارداد تجارتي زمینه استخدام یک تعداد زیاد متخصصین آلمانی در پروژه های انکشافی افغانستان مساعد گردید که ورود آنها با فامیلهای شان قدم مهم دیگر در راه تشیید مناسبات بود.

آلمان پس از تسخیر اکثرکشورهای اروپائی به شمول فرانسه، وقتی در ماه سرطان 1320 (جولای 1941) به شوروی حمله کرد، حالتی جدید بوجود آمد، زیرا تا آنوقت شوروی متحد آلمان بود، اما بعد از آن متحد انگلیس و بر علیه آلمان گردید. بعداً شوروی و انگلیس مشترکاً تصمیم گرفتند راه نفوذ و انتقال قوا را از طریق ایران به روی آلمانها مسدود سازند. لذا بتاريخ 25 آگست 1941 (3 سنبله 1320) به ایران لشکر کشیدند و آن کشور را اشغال و در بین خود تقسیم کردند و رضا شاه را از سلطنت خلع و از ایران تبعید نمودند. با این رویداد آلمانها بیشتر به افغانستان روی آوردند و برفعالیت های خود در افغانستان افزودند تا از این طریق بتوانند از یکطرف شوروی را از سمت جنوب زیر فشار قرار دهند و مجبور شوند یک تعداد قوای خود را برای مدافعه احتمالی در جنوب مستقر سازد و از طرف دیگر به همکاری دوشخص با نفوذ دینی یکی میرزاعلی خان مشهور به "فقیرایی" و دیگری محمدسعید الگیلانی مشهور به "پیرشامی" در مناطق مختلف آزاد قبایلی ماورای سرحد فعالیتهای وسیع ضد انگلیسی را به راه اندازند تا قوای هند برتانوی را در آن ساحات مصروف نگهدارند و آنها نتوانند قوای خود را در دیگر میدان های جنگ سوق دهند.

مسلم است که توسعه روزافزون روابط افغانستان با آلمان برای انگلیسها خوش آیند نبود، ولی هر بار که یک قدم بیشتر در این راه گذاشته می شد، صدراعظم محمدهاشم خان به انگلیسها این اطمینان را میداد که افغانستان از تعهد حفظ بیطرفی خود هرگز پا فراتر نخواهد گذاشت و با برقراری روابط با

آلمانها دلیل می آورد که موقف بیطرفی افغانستان ایجاب میکند تا دروازه دوستی افغانستان به روی همه کشورها باز باشد و به همین دلیل حکومت افغانستان از ادامه کار متخصصین آلمانی در کشور حمایت میکرد.

با آنهم یک تعداد آلمانها در سال 1937 با درک حساسیت اوضاع می خواستند با اخذ ویزه ترانزیت از راه ایران و ترکیه، افغانستان را به مقصد آلمان ترک گویند، ولی اینکار عملی نشد، زیرا اشغال ایران بوسیله قوای روس و انگلیس مانع اینکار شد و همچنان خلع رضا شاه پادشاه ایران از سلطنت و تبعید او به خارج این نگرانی حکومت افغانستان وبخصوص خانواده سلطنتی را در کابل افزایش داد که مبدا در صورت نزدیکی مزید با آلمان دچار سرنوشت رضا شاه شوند. لذا حکومت افغانستان ناگزیر شد در روابط خود با آلمان تجدید نظر کند. علی محمدخان وزیر خارجه افغانستان این تغییر را با سفیر آلمان در کابل در میان گذاشت و گفت: «این حقیقت که روسیه و برتانیه باهم متحد شده اند، وضع صحنه سیاسی جهان را بکلی تغییر داده است. افغانستان اکنون نمیتواند هیچ یک از همسایگان خود را مشتعل سازد»، به عبارت دیگر: وزیر خارجه به سفیر آلمان وانمود کرد که اکنون افغانستان نه طرفدار آلمان و نه طرفدار برتانیه است و میکوشد با حفظ بیطرفی ثبات را در افغانستان حفظ کند. با این ترتیب حکومت افغانستان مانع فعالیت های سیاسی آلمان در سرحدات آزاد و رساندن کمک به فقیرانی رهبر رزمندگان وزیرستان مقابل انگلیسها شد و حتی فعالیت های سفارت آلمان را در کابل زیر نظر قرار داد و آنها را از اطراف کشور به کابل فراخواند. در آنوقت به تعداد جمعاً 183 نفر آلمانی در افغانستان بودند که از جمله 10 نفر کارمند سفارت، 12 نفر معلم در مکاتب افغانستان، 25 نفر متخصص استخدام شده توسط حکومت، 8 نفر داکتر، 30 نفر نماینده مؤسسات آلمانی، 3 نفر بیکار، 61 خانم و 34 طفل. همچنان 43 نفر ایتالیوی که 7 نفر آن کارمند سفارت، 9 نفر تخیگر، 10 خانم و 17 طفل (زمانی، عبدالرحمن - مقاله: "خروج آلمانی ها در دوران جنگ جهانی..."، منتشره: افغان جرمن آنلاین، مورخ 12 نوامبر 2022، صفحه 5)

بتاریخ 9 اکتوبر 1941 سفیر انگلیس طی یک دیدار با محمدهاشم خان صدراعظم، از او خواست تا در مدت یک ماه تمام اتباع غیر رسمی کشورهای محور را از افغانستان اخراج کند. چون حالا تنها چند نفر معدود آنها شغل مشروع داشته و خاطر نشان ساخت که آنها از خاک افغانستان برای فعالیت علیه برتانیه و روسیه استفاده میکنند. صدراعظم در جواب به سفیر گفت که میخواهد این معضله را به شیوه خودش حل و فصل نماید. اگر برتانیه درین باره اصرار می ورزد، وی باید از کابینه و پارلمان طالب مشوره شود. دو روز بعد سفیر روسیه نیز به نمایندگی از کشورش عین تقاضا را به استناد پیمان دوستی شوروی و افغانستان مورخ 1931 (1310) تکرار کرد که در آن آمده بود: "در صورت جنگ با قوه سوم هر دو کشور به کمال شدت آن بیطرف خواهند ماند و حوزه قلمرو خود را بدسترس استفاده قوه سوم جهت رساندن ادیت و صدمه به آن نخواهد گذاشت."

محمدهاشم خان صدراعظم بتاریخ 13 اکتوبر سفیر انگلیس را برای مذاکرات بیشتر در زمینه دعوت کرد. در این ملاقات از سفیر خواست که آیا اخراج اتباع محور تنها خواست برتانیه از کشورش میباشد؟ سفیر انگلیس اطمینان داد که کشورش قصد توسعه راه ترانزیت به روسیه از طریق افغانستان را بدون همکاری افغانها ندارد یعنی افغانستان به سرنوشت ایران دچار نخواهد شد. این اطمینان بعد از آن بصورت تحریری هم داده شد و تضمین گردید که برتانیه زمینه انتقال مصنئون و مصارف انتقال تمام آلمانی ها و ایتالیوی ها را از خاک افغانستان از طریق هند به مناطق تحت کنترل قوای محور آماده خواهد ساخت.

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

محبوبیت آلمانها در افغانستان بحدی زیاد بود که حتی در بین بسیاری از مردان کابل و اطراف کشور بروتهای "هیتلری" مود روز شده بود و در هر خانه صحبت از پیشرفت آلمانها در جنگ بود. در این حال آواز خروج آلمانها از افغانستان بین مردم یک هنگامه را ایجاد کرده بود و همه این اقدام را به مثابه "بی غیرتی" و مغایر به عنعنه افغانی میدانستند. حکومت برای تسکین خاطر مردم ناگزیر شد از روی فشارهای وارده بر تانیه و شوروی بر حکومت افغانستان پرده بردارد و واقعیت ها را برای مردم تشریح و توضیح دهد. همان بود که بتاريخ 20 میزان 1320 (15 اکتوبر 1940) برای رفع نگرانی مردم، نجیب الله خان (تورویانا) مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه از طریق رادیو کابل بیانیه مفصل در زمینه پخش کرد. او اولتراز همه آواز راه خواستن انگلیس ها را جهت انتقال قوای شان بخاک شوروی از طریق افغانستان و تقویه بنیه دفاعی شوروی و مقاومت علیه تهاجم آلمانها به آن کشور که ذهنیت مردم عوام افغانستان را دچار تشویش و نگرانی شدید ساخته بود و مردم فکر می کردند که به این بهانه انگلیسها بار دیگر قوای خود را به افغانستان گسیل خواهند کرد، آنرا فقط یک شایعه بی اساس خواند و ضمناً به حساسیت های سیاسی در ارتباط به لزوم خروج متخصصین آلمانی از افغانستان توضیحات ارائه کرد و نیز رسیدن به یک تفاهم با مقامات برتانوی و روسی را در زمینه برای مردم شرح داد.

بعد از ظهر 17 اکتوبر وزیر خارجه افغانستان به سفرای هر دو کشور آلمان و ایتالیا اطلاع داد که اتباع غیردپلماتیک هر دو کشور باید بسرعت و خاموشانه خاک افغانستان را ترک کنند. او ادامه داد که تاریخ حرکت آنها به برتانیه مربوط است که چه وقت میتواند آنرا عملی سازد. در همان روز به سفیر روسیه گفته شد که به اتباع غیردپلماتیک کشورهای محورگفته شده است که در مدت یک ماه افغانستان را ترک کنند. به اساس مذاکرات متواتر مقامات افغانی با سفرای برتانیه، روسیه و آلمان در کابل قرار بر این شد که سفیر برتانیه بصورت تحریری تضمین کند تا آلمانها و ایتالیای ها را با فامیلهای شان از طریق هند بوسیله کشتی به بصره و از طریق عراق به انقره، جائیکه قوای محور در آن مسلط بود، صحیح و سالم برسانند. بر طبق همین ضمانت بتاريخ 8 و 9 عقرب 1320 (30 و 31 اکتوبر 1940) جمعاً به تعداد 180 نفر آلمانی و 8 نفر ایتالیای به شمول فامیلهای شان بوسیله چند سرویس "بس" و چندین لاری کابل را ترک گفتند و رهسپار پشاور گردیدند. آنها بتاريخ 8 نوامبر بوسیله ریل از پشاور بطرف کراچی رفتند و سپس ذریعه کشتی به بصره و بتاريخ 25 نوامبر از طریق بغداد توسط ریل به انقره رسیدند. (برای شرح مزید دیده شود: آدامک: "روابط خارجی افغانستان در اوایل قرن بیست" - ترجمه دری... صفحه 368 تا 374)

با این ترتیب با وجود تلاشهای ممتد که طی سالیان جنگ از جانب کشورهای محارب برای جلب همکاری افغانستان بعمل آمد، حکومت افغانستان و شخص محمد هاشم خان صدراعظم راه و روشی را در پیش گرفت تا سیاست خارجی کشور را به نحوی پیش ببرد که سلامت کشور ایجاب میکرد و نیز تلاش حکومت در مورد برگشت مطمئن و سالم آلمانی ها و ایتالیای ها به اوطان شان طوری عیار گردید که در آن پرستیژ افغانستان به حیث یک کشور بیطرف و مستقل حفظ و بعداً موجب قدردانی کشورهای ذیدخل قرار گرفت.

لویه جرگه سال 1320 ش (1941م):

این اولین لویه جرگه است که در دوره سلطنت اعلیحضرت محمدظاهر شاه بتاريخ 4 عقرب 1320 ش (5 نوامبر 1941) در کابل تحت الشعاع رویدادهای مغلق و پیچیده ای مربوط به سرنوشت یک عده

آلمانی هائیکه در افغانستان مصروف خدمت بودند، دائر شد. این لویه جرگه مصوبه قبلی شورای ملی را در موضوع بیطرفی افغانستان در جنگ عمومی دوم مکرراً تصدیق نمود و به تاسی از اینککه افغانستان به هیچ کشور حق نمیدهد که از زمین و فضای آن به مقاصد و اهداف جنگی و نظامی استفاده نماید، تصمیم گرفت. همچنان لویه جرگه از اقدام حکومت افغانستان که متخصصین آلمانی و ایتالوی را به دشمن تسلیم نکردند، بلکه بطور مطمئن به کشورشان اعزام نمودند، استقبال کرد.

در طول مدتیکه مذاکرات سیاسی بین حکومت افغانستان، شوروی و انگلیس و سفارت آلمان در کابل در جریان بود و حکومت افغانستان زیر فشار سه جانب قرار داشت، ترتیبات مقدماتی برای تدویر یک لویه جرگه رویدست گرفته شد. حکومت به ولایات هدایت داد تا از هر ولسوالی سه نفر و از مراکز هرو لایت دو نفر نمایندگان را در جرگه انتخاب و به کابل اعزام دارند. محل اقامت نمایندگان در کابل در عمارت سابق لایسه حبیبیه در جوار دریای کابل و مقبره تیمورشاه (فعلاً مکتب عایشه درانی) تعیین گردید. قبل از افتتاح لویه جرگه صدراعظم محمد هاشم خان به معیت حضرت فضل عمر مجددی "نورالمشایخ" از نمایندگان دیدن کرده و مشکلات وارده، اهمیت و حساسیت موضوع را برای آنها توضیح کردند و در قبال آن مجبوریت خروج آلمانها را با وجودیکه خلاف عنعنه افغانی و اصول بیطرفی کشور بود، به آنها بیان نمودند. لویه جرگه با حضور 1145 نفر متشکل از نماینده های انتخابی و اعضای مجلسین شورای ملی، مامورین عالیرتبه ملکی و نظامی و بعضی شخصیت های سرشناس به تاسی از همین هدف بروز موعود یعنی 14 عقرب 1320 (5 نوامبر 1941) با بیانیه محمد ظاهر شاه افتتاح گردید.

شاه در بیانیه خود خطاب به حاضرین لویه جرگه فرمود: «شما همه میدانید که به اثر این جنگ در مدت کم تغییرات بزرگ نه تنها در اوضاع جهان، بلکه در تمام جوانب زندگی ملل پیش شده محارب و غیرمحارب را یکسان متأثر کرده است. مخصوصاً درین چند ماه جنگ از غرب بجانب شرق کشانیده شده است و آن مملکت هائیکه قبل ازین خود را از جنگ نسبتاً دور نگهداشته بودند، به صدمات شدیدی دچار شده اند. بنابراین لازم شد که افغانستان که درین وقت نازک در سیاست خارجی خود که باساس بیطرفی و صلح بود و هست، در مقابل این حوادث موجود طوریکه باید و شاید غور و دقت کند و ملت و حکومت که هیچ وقت از یکدیگر جدائی نداشتند و در مسائل جزئی و کلی مملکت یک دست بودند، تبادل افکار و تصمیم لازم بگیرند. اینست که امروز بنام خداوند بزرگ این جرگه را افتتاح میکنم و از خداوند بکمال عجز آرزومندم که تصمیم های این جرگه بزرگ را باعث سعادت و بهبودی این خاک پاک گرداند و ملک را به برکت اتفاق، یک دستی و همدستی به آن سعادت و افتخارات که آرزوی قلبی من است، برساند و از وقایع بد زمانه نگهدارد.»

به تعقیب بیانات پادشاه نوبت به علی محمدخان وزیر امور خارجه رسید و او ضمن ایراد یک بیانیه مفصل، برای حاضرین لویه جرگه معلومات لازم ارائه کرد و بر زوایای مختلف اوضاع جاری و فشارهای وارده از جانب مقامات شوروی و برتانوی مبنی بر خروج آلمانها از افغانستان روشنی انداخت که اهم نکات بیانات او چنین است:

علی محمد خان گفت: «بعد از اشتعال نائره جنگ دوم جهانی حکومت افغانستان بارها و بصورت جدی بیطرفی خود را اعلان کرده است؛ اخیراً بنابر توسعه دامنه جنگ و نزدیک شدن به سرحدات مملکت ما اوضاع کسب وخامت کرد. حکومت افغانستان تلاش ورزید تا موازنه را در میان دول درگیر جنگ حفظ و بیطرفی واقعی خود را همچنان دوام دهد و چنانچه دوام داده است. اما متأسفانه

از آوانیکه آلمان به روسیه حمله کرد، جراید و رادیوهای برتانیه و هند برتانوی علیه افغانستان شایعات و پروپاگند هایی را به نشر میرسانند. منابع برتانوی و هند برتانوی یک تعداد متخصصین آلمانی را که در پروژه های افغانستان کار میکنند، متهم به اقدامات و فعالیت های سیاسی علیه متحدین (انگلیس و روس) کرده اخیراً مطالبی درباره آنها و حکومت افغانستان نشر میکنند و جراید مذکور از حکومت های خود همواره خواسته اند تا به افغانستان فشار آورند که خانواده های آلمانی و ایتالوی را از افغانستان خارج کنند.»

وزیر خارجه علی محمد خان در بیانیه خود تصریح کرد که: «بتاریخ 9 اکتوبر 1941 (17 میزان 1320) سفارت برتانیه عظمی و بتاریخ 11 اکتوبر (19 میزان) دولت روس کتباً از حکومت خواستند تا متخصصین آلمانی و ایتالوی که در افغانستان کار میکنند، از افغانستان خارج گردند. آنها دلانلی را ارائه کردند که متخصصین آلمانی را در تحریکات مردم و فعالیت های سیاسی علیه متحدین متهم کرده بودند». علی محمد خان همچنان به اطلاع اعضای لویه جرگه رسانید که بعد از چند بار مذاکرات با سفرای برتانیه و شوروی در کابل واضح شد که حکومت آنها غیر از اخراج متخصصین آلمانی و ایتالوی دیگر کدام خواهشی از افغانستان ندارند، لذا او به مشوره کمیسیون امور خارجی شورای ملی و موافقه سفرای کشورهای مربوطه به این اقدام متوسل شد تا بعد از تفاهم و اخذ ضمانت تحریری از سفیر برتانیه، متخصصین آلمانی و ایتالوی را با فامیل‌های شدن از طریق هند و عراق به ترکیه بطور محفوظ و مطمئن به کشور شان انتقال دهند که اینکار بتاریخ 8 و 9 عقرب موفقانه به پایان رسید.

بعد از علی محمد خان نوبت سخنرانی به حضرت نورالمشایخ، حضرت چهارباغ و آخذزاده صاحب تگاو و یک تعداد دیگر رسید. جلسه روز اول در حوالی عصر پایان یافت و روز بعد جلسه بریاست محمد هاشم خان صدراعظم دائر شد که پس از بیانات صدراعظم فرصت سخنرانی به شاه محمود خان وزیر حربیه و بعضی از علمای دینی داده شد. در پایان متن ذیل از طرف لویه جرگه به تصویب رسید و لویه جرگه با بیانیه محمد هاشم خان صدراعظم در ساعات عصر خاتمه پذیرفت. (برای شرح مزید دیده شود - علم فیض زاد: "جرگه های بزرگ ملی" ... صفحه 198 تا 205)

متن مصوبه لویه جرگه سال 1320 ش:

(نحمد و نصلی علی رسوله الکریم الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین)

ما نمایندگان ملت افغانستان بموجب اختیاراتیکه از مؤکلین ما به ما داده شده است و برای لوی جرگه بکابل آمده ایم، بعد از آنکه بیانات عالیقدر جلالتمآب وزیر امور خارجه را راجع به گزارشات عالم و جریانات سیاسی افغانستان تا امروز استماع و در آن غور و دقت نمودیم، بیان میداریم: خط مشی سیاسی که حکومت المتوکل علی الله تاکنون تعقیب نموده، مطابق آرزوی ما بوده کاملاً درست است. لذا ما نمایندگان لوی جرگه سیاست بیطرفی کامل را که تاحال نگهداشته شده و در آینده هم بطور قطعی و حکم باید حفظ شود، تصدیق مینمائیم.

افغانستان میخواهد در سایه صلح با دول متعاهد و مخصوصاً همسایگان خود زندگی کند، اما ما نمایندگان بموجب اختیاراتیکه از مؤکلین خود داریم، این امر را بصورت قاطع و حتمی بیان میداریم که ملت افغانستان حاضر نیست هیچ خواهش یا مطالبه ای را که مستقیم یا غیرمستقیم متضاد شرف و عنعنات و استقلال تام ما باشد و از هرطرفی که باشد، مورد بحث یا قبول قرار دهد یعنی به هیچ حکومت خارجی به هیچ صورت و بهانه اجازه و موقع داده نخواهد شد که تمام یا حصه از مملکت

افغانستان را اشغال نماید یا برای مقصد عسکری از زمین و یا فضای مملکت محبوب ما استفاده کند و یا کدام امتیازی در دوران جنگ از ما خواهش نماید و قطعاً لازم نمیدانیم که حکومت ما با یکی از دول خارجی داخل معاهده جدیدی شود که سیاست بیطرفی مملکت ما را اخلال نماید و همچنین به هیچ حکومت به هیچ صورت و بهانه موقع داده نمیشود و نخواهد شد که به کوچکترین حقوقی که در معاهدات افغانستان و در حقوق بین المللی برای یک مملکت مستقل که افغانستان یکی از آنها است، معین شده است، تصرفات و مداخله نماید. علاوه بر آن افغانستان حق داشته و حق دارد و حق خود را محفوظ خواهد داشت که با هر مملکتی که میخواید روابط سیاسی خود را محفوظ نگهداشته و در آینده هم روابط سیاسی خود را قایل کند که نمایندگان ملت افغانستان بموجب اختیاراتیکه از مؤکلین خود داریم، برخط مشی فوق فیصله قطعی و حتمی مینمائیم.

ملت افغانستان هیچ وقت زیر بار هیچ یکی از حکومت های خارجی نرفته و نخواهد رفت، همیشه زندگی آزاد نموده و در آینده هم آزاد و مستقل زندگی خواهد کرد. ملت افغانستان بعون الله و تعالی متحداً حاضر هستند که خود را محافظه نموده باشرف زیست و حیات نمایند.»

پنجشنبه، مورخ 15 عقرب 1320؛ امضای وکلاء و نمایندگان ملت.

(متن فوق برگرفته شده است از کتاب: "جرگه های بزرگ ملی افغانستان"، ... صفحه 202 و 203، به استناد شماره 75 روزنامه اصلاح، مورخه 25 عقرب 1320)